

رویکرد نهاد دآوری جهت مقابله با مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی

محمدجعفر قنبری جهرمی*
پوریا ابراهیم‌زاده**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

چکیده

فساد اقتصادی مصادیق بسیار متنوع و گوناگونی دارد که بروز هریک از آنها منجر به نقض اصول اساسی حاکم بر تجارت بین‌الملل می‌شود. برای مقابله مؤثر با نفوذ مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی، القای یک نگرش مسئولانه به آحاد جامعه و ارائه آموزش‌های لازم به ایشان ضرورت دارد. با توجه به اینکه در بسیاری از موارد، طرفین قراردادهای فوق توافق می‌کنند که اختلافات احتمالی آتی را از طریق دآوری حل‌وفصل نمایند، مقتضی است که به‌طور خاص نقش نهاد دآوری در حوزه مقابله با نفوذ مصادیق فساد اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. پرسش اصلی تحقیق حاضر از این قرار است که نهاد دآوری برای مقابله با مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی چه رویکردی را باید اتخاذ کند؟ نویسندگان با هدف یافتن پاسخی مستدل و مستند به رویه‌های دآوری از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده‌اند. نتایج کلی تحقیق ضمن اشاره به این مسئله که نهاد دآوری می‌تواند با استفاده از یک رویکرد سه‌جانبه از قرار اتخاذ رویه فعال و ایجابی، مطالبه اسناد و مدارک خواهان و خواننده دآوری و بررسی دآوری‌پذیر بودن موضوع اختلاف به‌صورت مؤثری در مقام مقابله با مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی ایفای نقش نماید، به این نکته نیز تأکید می‌کند که اتخاذ رویکرد مذکور لزوماً متعارض با اصل دآوری توافقی نیست.

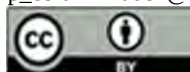
کلیدواژه‌ها:

نهاد دآوری، فساد اقتصادی، دآوری تجاری بین‌المللی، قرارداد تجاری بین‌المللی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری.

* دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

** دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

p_brahimzadeh@sbu.ac.ir



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

امروزه تنوع مصادیق متعدد فساد اقتصادی^۱ مانند اعمال نفوذ^۲ و ابتکار عمل در استفاده از آنها غیر قابل انکار بوده و به کارگیری این مصادیق با اصول اساسی حاکم بر حقوق تجارت بین‌الملل همچون اصل حسن نیت^۳ و مؤلفاتی همچون عدالت و نظم عمومی در تعارض است.^۴ متأسفانه در عصر حاضر، نفوذ مصادیق فساد اقتصادی به قراردادهای تجاری بین‌المللی،^۵ معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری^۶ و قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به یک امر متداول در حقوق تجارت بین‌الملل تبدیل شده و مقابله با چنین چالشی مستلزم اتخاذ سیاست‌های ضد فساد است. با توجه به نقش‌آفرینی اراده طرفین قراردادهای اخیرالذکر در تعیین قانون حاکم بر داوری، تشریفات انتخاب داوران، نحوه ارجاع اختلافات به داوری و تعیین حدود اختیارات داور، امروزه داوری به یک فرایند کارآمد و پرطرفدار در حوزه حل و فصل اختلافات تبدیل شده است و در بسیاری از موارد، طرفین قراردادهای مذکور ترجیح می‌دهند که نهاد داوری^۷ را به‌عنوان رکن حل و فصل اختلافات احتمالی آتی انتخاب کنند.^۸ بنابراین مقتضی است که به‌طور خاص نقش نهاد داوری اعم از داور یا دیوان داوری در حوزه مقابله با نفوذ مصادیق فساد اقتصادی مورد بررسی قرار بگیرد.

پرسش اصلی تحقیق حاضر از این قرار است که نهاد داوری برای مقابله با مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی باید چه رویکردی را اتخاذ کند؟ نویسندگان با هدف یافتن پاسخی مستدل و مستند به رویه‌های داوری از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده‌اند. فرضیه نویسندگان بر این دیدگاه استوار است که با توجه به تأثیرات مخرب نفوذ مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی و همچنین با استناد به اصولی از جمله نظم عمومی

1. Economic Corruption

2. Influence Peddling

3. Good Faith

4. Wynne, Brian, "Anti-Corruption Measures in International Trade: Legal Mechanisms to Combat Economic Crime", *Mayo RC journal of communication for sustainable world*, Vol. 1, No. 2, 2024, PP. 54-55.

5. International Commercial Contracts

6. Bilateral Investment Treaties (B.I.T)

7. Arbitral institution

8. Fortier, L. Yves, "Arbitrating in the Age of Investment Treaty Disputes", *UNSWLJ*, Vol. 31, No. 1, 2008, P. 282.

داخلی و بین‌المللی، حتی در فرضی که صلاحیت و اختیارات اقدامات انجام شده توسط نهاد داوری در جهت مقابله با مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی از طریق موافقت‌نامه داوری^۱ یا خواست و اراده طرفین اختلاف قابل استنباط نباشد، نهاد مذکور از حدود اختیارات خود تجاوز ننموده و رأی صادره مستند به شق «پ» بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی^۲ با چالش شناسایی و اجرا مواجه نخواهد شد.

این تحقیق از سه قسمت اصلی تشکیل شده است. در بخش اول نویسندگان به تبیین تفاوت‌های مهم میان قراردادهای تجاری بین‌المللی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری پرداخته و سپس مصادیق متعدد فساد اقتصادی را تعریف می‌کنند. بخش دوم به بیان اهمیت سیاست‌گذاری دولت‌ها در جهت پیشگیری از نفوذ مصادیق فساد اقتصادی در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری تخصیص و بدین مهم تأکید می‌کند که گاهی ممکن است سیاست‌های ضد فساد نیز خود منتهی به نقض اصول اساسی حاکم بر حقوق تجارت بین‌الملل بشود. در بخش سوم نیز با شرح سه پرونده، سه ملاحظه که نهاد داوری جهت مقابله با مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی باید مد نظر قرار دهد مطرح می‌گردد. در نهایت و در بخش نتیجه‌گیری ضمن مرور اهم مطالب، پیشنهادی مشتمل بر چهار مرحله جهت مقابله با نفوذ مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی ارائه شده است.

۱. چارچوب مفهومی

در این بخش ابتدا به تبیین تفاوت میان قراردادهای تجاری بین‌المللی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری پرداخته و سپس به تعریف فساد اقتصادی و شرح مصادیق آن اشاره خواهیم کرد.

۱.۱. تمایز میان قراردادهای تجاری بین‌المللی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری

قراردادهای تجاری بین‌المللی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری در زمره مهم‌ترین ابزارهای حقوقی جهت برقراری تعاملات

1. Arbitration Agreement

2. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (1958).

تجاری بین‌المللی محسوب می‌شوند. قراردادهای تجاری بین‌المللی به توافق‌نامه‌هایی اطلاق می‌شود که حداقل یک عنصر خارجی در آن وجود داشته باشد که این عنصر خارجی معمولاً در قالب تابعیت متفاوت طرفین نمود پیدا می‌کند. بنابراین طرفین قراردادهای تجاری بین‌المللی ممکن است اشخاص حقیقی نظیر تجار و یا اشخاص حقوقی نظیر شرکت‌های چندملیتی^۱ باشند. این نوع از توافق‌نامه‌ها که معمولاً کوتاه‌مدت بوده و هدف اصلی آنها تجارت کالا، ارائه خدمات و یا مشارکت در اموری نظیر ساخت‌وساز و حمل‌ونقل است غالباً مطابق با مقررات حقوق خصوصی^۲ یک کشور منعقد می‌شوند و حل‌وفصل اختلافات ناشی از آن نیز معمولاً از طریق داوری‌های غیرسازمانی و یا دادگاه‌های ملی مورد پیگیری قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال از سال ۲۰۱۰ میلادی، شرکت اپل^۳ هرساله برای توزیع محصولات خود در سطح کشور هند قراردادی با شرکت اینگرم میکرو^۴ منعقد می‌کند که توافق موصوف نوعاً یک قرارداد تجاری بین‌المللی محسوب می‌شود.

اگرچه معمولاً در بخش مقدمه یا ماده اول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به تعریف این نوع از توافق‌نامه‌ها پرداخته می‌شود، راهنمای آنکتاد^۵ یکی از معتبرترین منابع برای تعریف معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید. براساس راهنمای آنکتاد، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به توافق‌نامه‌هایی اطلاق می‌گردد که بین حداقل دو دولت و در راستای ترویج و حمایت از سرمایه‌گذاری متقابل^۶ منعقد شده باشد. بنابراین طرفین معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری دولت‌ها هستند. این نوع از توافق‌نامه‌ها که معمولاً بلندمدت بوده و هدف اصلی آنها ایجاد چارچوب‌های حقوقی جهت حمایت، تضمین امنیت و رفع موانع سیاسی یا قانونی سرمایه‌گذاری خارجی است و غالباً مطابق با مقررات حقوق بین‌الملل عمومی^۷ منعقد می‌شوند و حل‌وفصل اختلافات ناشی از آن معمولاً از طریق داوری‌های سازمانی نظیر مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری^۸ مورد پیگیری قرار می‌گیرد.^۹ به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۷

1. Multinational Corporations

2. Private Law

3. Apple Inc

4. Ingram Micro Inc

5. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

6. Reciprocal Investment

7. Public International Law

8. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)

۹. شاهینی، محمدرضا و علیرضا مظفری، «مطالعه تطبیقی داوری سرمایه‌گذاری خارجی و داوری تجاری بین‌المللی»، فصلنامه حقوق ملل، د ۱۹، ش ۵، ۱۳۹۴، ص. ۴۲.

میلادی، ایالات متحده آمریکا و هند جهت حمایت از سرمایه‌گذاری‌های متقابل توافق‌نامه‌ای منعقد نمودند که توافق موصوف نوعاً یک معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. کشور ایران نیز تا کنون با ۷۲ کشور معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری منعقد نموده که از این تعداد ۶۸ مورد لازم‌الاجرا شده است.^۱

بنابراین قراردادهای تجاری بین‌المللی و معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری از حیث تعریف، طرفین، مدت زمان، هدف، ماهیت و نحوه حل و فصل اختلافات با یکدیگر تفاوت دارند. اگرچه در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری پیش‌بینی می‌شود که اختلاف میان دو دولت در خصوص تشویق و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و نیز اختلافات میان دولت سرمایه‌گذار خارجی با دولت میزبان به داوری سازمانی و یا احتمالاً داوری غیرسازمانی ارجاع گردد اما مقصود از قرارداد مشمول معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری قراردادی است که بین یک دولت و یک شخص حقیقی یا حقوقی به عنوان سرمایه‌گذار خارجی منعقد شود. هر یک از قراردادهای تعریف شده در فوق می‌توانند متأثر از فساد اقتصادی و یا برای تحقق آن منعقد شوند.

۱.۲. تعریف فساد اقتصادی

در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بین‌الملل اقتصادی تعریف مشخصی از فساد اقتصادی وجود ندارد و اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر کنوانسیون ملل متحد علیه فساد^۲ موسوم به کنوانسیون مریدا^۳ نیز با اجتناب از تعریف فساد اقتصادی به بیان مصادیق آن بسنده نموده‌اند.^۴ بنابراین جهت آشنایی با تعریف فساد اقتصادی لازم است که از تعریف تمثیلی استفاده کنیم. تعریف تمثیلی یا تعریف مثالی به تعریف یک واژه یا اصطلاح بر اساس مصادیق و نمونه‌های آن دلالت دارد. در این نوع تعریف که از آموزه‌های فلسفی ارسطو^۵ سرچشمه می‌گیرد، به‌جای تمرکز جهت یافتن یک تعریف دقیق، جامع و مورد قبول، مفهوم مورد نظر از طریق اشاره

1. <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/countries/98/iran-islamic-republic-of>.

2. United Nations Convention against Corruption (UNCAC)

3. Merida Convention (2003)

4. Morshedi, Farzaneh and Golami, Hossein, "Review the legal challenges of supporting economic crimes victims", *Religación: Revista de Ciencias Sociales y Humanidades*, Vol. 4, No. 18, 2019, P. 279.

5. Aristotle

به مصادیق و نمونه‌های خاص آن تعریف می‌شود. اعمال نفوذ، اخاذی،^۱ اختلاس،^۲ پول‌شویی،^۳ تبانی،^۴ رشوه،^۵ تحصیل مال بلاجهت^۶ و کلاهبرداری^۷ همگی از جمله مهم‌ترین مصادیق فساد اقتصادی محسوب می‌شوند.^۸ بنابراین با توجه به اینکه آشنایی با تعریف فساد اقتصادی تا حد زیادی در گرو آشنایی با تعریف مصادیق این مؤلفه است؛ در جدول ذیل اختصاراً هر یک از مصادیق فساد اقتصادی را تعریف می‌کنیم.

جدول ۱: تعریف مصادیق فساد اقتصادی با تأکید بر مقرر مقرر مرتبط در کنوانسیون مریدا

عنوان	تعریف مختصر	کنوانسیون مریدا
اعمال نفوذ	سوءاستفاده کردن از قدرت یا موقعیت برای کسب منفعت شخصی یا به نفع دیگران.	ماده ۱۹
اخاذی	تهدید یا اجبار به تحویل اموال و یا انجام یک کار به صورت غیرقانونی.	ماده ۲۲
اختلاس	سوءاستفاده یا تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا خصوصی توسط مقامات.	ماده ۱۷
پول‌شویی	پنهان‌سازی و مشروع‌نمایی منشأ غیرقانونی اموال از طریق فرایندهای پنهان‌کارانه.	ماده ۲۳
تبانی	توافق دو یا چند نفر برای ارتکاب اعمال فریبکارانه یا غیرقانونی به ضرر دیگران.	ماده ۱۸
رشوه	دادن یا گرفتن پول، اموال یا مزایا برای انجام یا خودداری از انجام کاری به صورت غیرقانونی.	ماده ۱۵
مال بلاجهت	تحصیل اموال یا دارایی با استفاده از روش‌های غیرقانونی.	ماده ۱۴
کلاهبرداری	فریب‌دادن دیگران برای به‌دست‌آوردن مال یا منفعت از طریق حيله و تقلب	ماده ۲۴

1. Extortion
2. Embezzlement
3. Money Laundering
4. Collusion
5. Bribery
6. Unjust Enrichment
7. Fraud
8. Brody, Richard G, Gaurav Gupta, Angela N. Ekofo and Kehinde Mayokun, Ogunade, "The need for anti-corruption policies in developing countries", *Journal of Financial Crime*, Vol. 28, No. 1, 2020, P. 132.

۲. دیدگاه‌های نظری درخصوص نفوذ فساد در قراردادها

در خصوص نفوذ مصادیق فساد اقتصادی در قراردادها اعم از قراردادهای تجاری بین‌المللی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول قائل بر معتبر بودن چنین قراردادهایی است. در توجیه این دیدگاه گفته می‌شود به دلیل اینکه نفوذ مصادیق فساد اقتصادی به حوزه قراردادها امری بسیار متداول و معمول محسوب می‌شود، نباید حکم بر بطلان قراردادهای متأثر از فساد اقتصادی صادر نمود. برخلاف دیدگاه مذکور، دیدگاه دوم قائل بر بطلان چنین قراردادهایی است. در توجیه این دیدگاه نیز گفته می‌شود که میزان نفوذ مصادیق فساد اقتصادی در قراردادها اهمیتی ندارد و در هر صورت قانون نباید در خدمت عملکرد فاسد طرفین چنین قراردادهایی قرار بگیرد. در بسیاری از موارد، دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا، انگلستان، کانادا، و سنگاپور با استناد به حقوق عرفی، قراردادهای منعقدشده در بستر گونه‌ای از فساد اقتصادی نظیر رشوه را باطل کرده‌اند. مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری نیز به دفعات با استناد به نقض نظم داخلی یا نقض نظم عمومی بین‌المللی در مفهوم مجموعه اصول حقوقی و اخلاقی مورد قبول و حاکم بر روابط کشورها، قراردادهایی را که در بستر گونه‌ای از فساد اقتصادی منعقد شده بودند، باطل اعلام کرده است. لازم به ذکر است که در بررسی کارنامه فعالیت مرجع مذکور، اولین رویه‌های مربوط به بطلان قراردادهای مختلف به دلیل نفوذ گونه‌ای از فساد اقتصادی در آن یافت می‌شود.^۱

آثار سوء ناشی از بروز مصادیق فساد اقتصادی نظیر نقض اصول حاکم بر حقوق تجارت بین‌الملل همچون اصل حسن نیت، اصل شفافیت،^۲ اصل عدم تبعیض^۳ و اصل رقابت منصفانه^۴ و تأثیر مخرب آن بر تحقق عدالت و نظم عمومی داخلی و بین‌المللی باعث شده است که تقریباً تمام دولت‌ها مصادیق مندرج در جدول شماره ۱ را در قوانین داخلی خود جرم‌انگاری کنند. بر مبنای اقداماتی که جامعه بین‌المللی^۵ در جهت مقابله با مصادیق فساد اقتصادی و توجه به اصول

۱. تقی‌پور، بهرام، مهدی عباسی سرمدی، اعظم مهدی‌پور و محمدتقی ابراهیمی، «راهکارهای حقوقی - اخلاقی مقابله با فساد در انعقاد قراردادهای تجاری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، د ۱۰، ش ۳۷، ۱۳۹۸، ص. ۹۶-۹۷.

2. Transparency
3. Non-Discrimination
4. Fair Competition
5. International Community

مذکور انجام داده، می‌توان گفت که پیشگیری از فساد اقتصادی در دو سطح کنشی و واکنشی قابل بررسی است. پیشگیری کنشی یا خاص گونه‌ای از پیشگیری بوده که در آن دولت‌ها با انجام اقدامات غیرقهرآمیز مبادرت به کاهش یا از بین بردن عوامل و بسترهای ارتکاب جرم می‌کنند. به‌طور خاص فلسفه این نوع از پیشگیری جلوگیری از ارتکاب اولیه جرم است و در آن اهم توجه دولت‌ها بیشتر به بازه زمانی قبل از ارتکاب جرم معطوف می‌شود. پیشگیری واکنشی یا عام نیز به کلیه اقدامات دولت‌ها برای مقابله با ارتکاب جرم و مجازات مجرم از طریق تدابیر کیفری نظیر جرم‌انگاری، محاکمه و مجازات اطلاق می‌شود. به‌طور خاص فلسفه این نوع از پیشگیری جلوگیری از تکرار جرم است و در آن اهم توجه دولت‌ها بیشتر به بازه زمانی بعد از ارتکاب جرم معطوف می‌شود.^۱

اگرچه لفظ پیشگیری غالباً دلالت بر نوع عام آن دارد، اکثر اقداماتی که جامعه بین‌المللی در راستای مقابله با فساد اقتصادی انجام داده است، بیشتر ذیل پیشگیری کنشی قابل بررسی است. در این راستا می‌توان به تصویب اسناد منطقه‌ای نظیر کنوانسیون بین آمریکایی ضدفساد،^۲ کنوانسیون اروپایی حقوق کیفری ضدفساد^۳ و کنوانسیون اروپایی حقوق مدنی ضدفساد^۴ اشاره کرد. در سطح بین‌المللی نیز کنوانسیون پالرمو^۵ و مریدا مهم‌ترین اسناد مرتبط در حوزه پیشگیری از فساد اداری و اقتصادی محسوب می‌شوند.^۶

اجرای سیاست‌های ضدفساد اقتصادی هدفی مشروع و ضروری است، چنانچه سیاست‌های مذکور به‌صورت ناهماهنگ یا تبعیض‌آمیز اجرا شوند، خود با اصول اساسی حاکم بر تجارت بین‌الملل تعارض خواهند داشت.^۷ به‌عنوان مثال برخی از کشورها ممکن است مقررات سختگیرانه‌ای در حوزه مقابله با فساد اقتصادی وضع نموده و از این مقررات به عنوان ابزاری

۱. مرجانی، مهدی و سید باقر میرعباسی، «پیشگیری غیرکیفری از جرایم اقتصادی در کنوانسیون مریدا»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، د ۱۶، ش ۴۴، ۱۳۹۹، ص. ۴۰.

2. Inter-American Convention against Corruption (1996)

3. The Council of Europe: Criminal Law Convention against Corruption (1999)

4. The Council of Europe: Civil Law Convention against Corruption (1999)

5. Palermo Convention (2001)

۶. باقری کمارعلیا، محمد، ایرج گلدوزیان و حمیدرضا ملک محمدی، «تحلیلی بر مدیریت منابع مالی و سیاست‌های دستگاه‌های فرهنگی در انطباق با تکالیف مقرر در کنوانسیون مریدا»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، د ۲، ش ۴، ۱۳۹۵، صص. ۱۱۱-۱۱۲.

7. Wynne, Brain. Op.Cit. P. 56.

برای محدود کردن رقابت و یا تحمیل استانداردهای داخلی خود به دیگران استفاده کنند. چنین سیاستی مغایر با ماده ۱۱ موافقت‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت^۱ ارزیابی می‌شود که به موجب آن دولت‌های عضو متعهد به انجام مذاکرات جهت کاهش یا از بین بردن موانع تجارت، ذیل اصل تجارت آزادتر شده‌اند. از همین جهت در ماده ۲۰ موافقت‌نامه تأکید شده است که اقدامات مربوط به جلوگیری از اقدامات مضر (نظیر فساد) نباید خودسرانه و در جهت حمایت از محصولات و منابع داخلی اتخاذ شود. همچنین اگر سیاست‌های ضدفساد مبهم و متناقض باشند و یا اساساً اعلام نشوند و نهادی جهت پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان تجارت بین‌الملل نیز وجود نداشته باشد خود در تعارض با اصل شفافیت موضوع ماده ۱۰ موافقت‌نامه ارزیابی می‌شود که بر اعلام اطلاعات و رویه‌های مرتبط با قوانین، مقررات و سیاست‌ها در زمینه تجارت بین‌الملل و اطلاع‌رسانی درخصوص تغییرات و ایجاد نهادهایی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها تأکید داشته و هدف آن کاهش ابهامات و افزایش پیش‌بینی‌پذیری در روابط تجاری بین‌المللی است.^۲

اجرای سیاست‌های ضدفساد به صورت ناهماهنگ و تبعیض‌آمیز مغایر با تعهدات دولت در برابر سرمایه‌گذار خارجی نیز ارزیابی می‌شود؛ زیرا در بخش مقدمه معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری پس از تعریف و تبیین هدف معاهده معمولاً به موضوعاتی نظیر تعهد دولت میزبان به رعایت حسن‌نیت در سلب مالکیت و پرداخت غرامت جهت حمایت از حقوق سرمایه‌گذار و اتخاذ رفتار منصفانه و به دور از تبعیض با سرمایه‌گذار خارجی اشاره می‌شود. بدیهی است که در صورت اتخاذ رویکردهای یک‌جانبه، سرمایه‌گذاران خارجی دچار عدم اطمینان شده و ممکن است تمایل به تجارت یا سرمایه‌گذاری در آن کشور را از دست بدهند. بنابراین برای جلوگیری از تضاد میان سیاست‌های ضدفساد اقتصادی و اصول اساسی حاکم بر تجارت بین‌الملل ضروری است که قانون‌گذاری و سیاست‌های مذکور به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که هم با الزامات تجارت بین‌الملل همخوانی داشته باشند و هم به شکل شفاف و غیر تبعیض‌آمیز اعمال شوند. با اتخاذ رویکرد اخیر، دولت‌ها می‌توانند علاوه بر نمایش عملکردی مطلوب در راستای پیشگیری مؤثر

1. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

۲. حسینی آزاد، سید علی و پوریا عسکری، «شفافیت سرمایه‌گذاری خارجی: بازتعریف اصل شفافیت در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، د ۲۸، ش ۱۹، ۱۴۰۰، ص. ۳۹.

از نفوذ فساد اقتصادی در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، از اصول اساسی حاکم بر حقوق تجارت بین‌الملل نیز پاسداری به عمل آوردند.

۳. نقش نهاد داوری در مقابله با نفوذ مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی

با توجه به نفوذ مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی و نقش‌آفرینی نهاد داوری در این نوع از قراردادها مقتضی است که به‌طور خاص نقش نهاد مذکور در حوزه مقابله با نفوذ مصادیق فساد اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد.

۳.۱. اتخاذ رویه فعال و ایجابی

در عرصه حقوق بین‌الملل اقتصادی، حقوق تجارت بین‌الملل و داوری‌های تجاری بین‌المللی مباحث گسترده‌ای درخصوص محدودیت داوران از حیث صلاحیت و اختیارات و چالش‌های ناشی از محدودیت‌های مذکور مطرح شده است. پرسش اصلی گفتار حاضر از این قرار است که آیا نهاد داوری می‌تواند در راستای شناسایی و مقابله با مصادیق احتمالی فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی رأساً و بدون درخواست طرفین اختلاف مبادرت به انجام اقداماتی نظیر تحصیل دلیل کنند یا اینکه رسیدگی به این مسئله مستلزم درخواست طرفین اختلاف و یا متوقف به تقاضای حداقل یکی از آنهاست؟

اهمیت طرح و پاسخ به پرسش اخیر با بررسی دو مقررہ بیشتر ملموس خواهد شد. شیق «پ» بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی موسوم به کنوانسیون نیویورک^۱ مقرر داشته است: «حکم درخصوص اختلافی است که شرایط ارجاع به داوری در مورد آن منظور نشده یا شامل آن نمی‌شود، یا متضمن تصمیم در مورد مسائلی فراتر از حیطه شمول ارجاع به داوری است...». شیق «ه» بند ۱ ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ نیز مقرر داشته است: «داور خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد». با توجه به دو مقررہ اخیر می‌توان اینگونه استنباط کرد که چنانچه از طریق موافقت‌نامه داوری و یا خواست و اراده طرفین اختلاف، صلاحیت نهاد داوری از حیث شناسایی و مقابله با مصادیق احتمالی فساد اقتصادی قابل

1. New York Convention

احراز نباشد اما نهاد داورى رأساً مبادرت به كشف دليل نموده و احراز كند كه قرارداد تجارى بين‌المللى در بستر گونه‌اى از فساد اقتصادى منعقد شده است و متعاقباً آن قرارداد را باطل اعلام كند از حدود صلاحيت و اختيارات خود فراتر رفته و دادگاه محل شناسايى و اجراى رأى داورى مى‌تواند مستند به مقرره‌هاى اخير و بنا به درخواست هريك از طرفين از ترتيب اثر دادن به رأى صادره اجتناب نمايد.^۱

دسته‌اى از داوران به‌صورت افراط‌گرايانه‌اى طرفدار داورى ترافعى‌اند. اين دسته از داوران از يك طرف با تأكيد بر محدوديت در صلاحيت و اختياراتشان و از طرف ديگر با تأكيد بر لزوم احترام به خواست و اراده طرفين اختلاف تلاش مى‌كنند كه با محدود كردن صلاحيت خويش به خواست و اراده خواهان و خوانده داورى، مبانى حاكم بر داورى ترافعى نظير بى‌طرفى و استقلال را رعايت كنند.^۲ در حوزه مقابله با مصاديق فساد اقتصادى و در حالى كه قرارداد تجارى بين‌المللى در بستر گونه‌اى از فساد اقتصادى و يا براى تحقق آن منعقد گرديده اما هيچ‌كدام از طرفين اختلاف از نهاد داورى تقاضاى رسيدگى به اين موضوع را نكرده باشند؛ عملکرد داوران طرفدار نظريه محل بحث نه‌تنها منفعلانه ارزيايى مى‌شود و بلكه نهاد داورى با صدور رأى عملاً زمينه شناسايى مصاديق فساد اقتصادى را با دشوارى بيشترى مواجه خواهد ساخت. لازم به ذكر است كه معمولاً اين دسته از آراى داورى در مرحله شناسايى و اجرا با چالش‌هاى زيادى از جمله مغايرت با نظم عمومى داخلى مواجه مى‌شوند. همچنين عطف به اين مسئله كه در داورى‌هاى غيرسازمانى قرارداده‌اى تجارى بين‌المللى مهم، اعضاى نهاد داورى معمولاً از ميان وكلاى مجرب و اساتيد دانشگاهى مشهور انتخاب مى‌شوند، بديهى است كه عدم شناسايى و اجراى رأى صادره توسط آنها، سابقه فعاليت حرفه‌اى ايشان را زير سؤال خواهد برد.

اما دسته‌اى ديگر از داوران كه در وهله اول خود را حامى و خدمتگزار عدالت و اصل حاكميت قانون مى‌دانند با تأكيد بر مسئوليت اجتماعى خويش در برابر جامعه مبنى بر مقابله مؤثر با

۱. مافى، همایون و مهشيد اسحقى، «موانع شناسايى و اجراى رأى داورى در كنوانسيون نيويورك راجع به شناسايى و اجراى آراى داورى خارجى (۱۹۵۸) و قانون داورى تجارى بين‌المللى ايران (۱۳۷۶)»، پژوهشنامه حقوق تطبيقى، د ۷، ش ۱، ۱۴۰۳، صص. ۱۵۹-۱۶۰.

2. Feebily, Ronan, "Neutrality, Independence and impartiality in international commercial arbitration, a fine balance in the quest for arbitral justice", *Penn St. JL & Int'l Aff.*, Vol. 7, No. 1, 2019, P. 90-92.

مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی از اصل جدایی‌پذیری داوری از قرارداد اصلی^۱ موضوع ماده ۱۶ قانون نمونه داوری آنسیترال^۲ استفاده و رویه‌ای فعال و ایجابی جهت شناسایی و مقابله با مصادیق فساد اقتصادی اتخاذ می‌کند. براساس اصل مذکور، شرط داوری جزئی کاملاً مجزا از قرارداد یا موافقت‌نامه اصلی محسوب شده و بطلان قرارداد یا موافقت‌نامه اصلی تأثیری در شرط داوری مندرج در آن نخواهد داشت. البته شرط داوری می‌تواند در درون قرارداد اصلی یا به‌صورت جداگانه در نظر گرفته شود و حتی برخی از نویسندگان قائل‌اند که لزومی بر مکتوب نمودن این شرط نیست.^۳ این دسته از داوران پس از احراز اعتبار موافقت‌نامه داوری اقدام به تحقیق، بررسی و سنجش اعتبار قرارداد اصلی نموده و در صورت احراز این مسئله که قرارداد اصلی در بستر گونه‌ای از فساد اقتصادی و یا برای تحقق آن منعقد شده است، آن را باطل و ذیل اصل جدایی‌پذیری داوری از قرارداد اصلی درخصوص غیرقابل رسیدگی بودن و غیرقابل مطالبه بودن ماهیت اختلاف نیز تعیین تکلیف می‌کنند و عملکرد اخیر خود را با استناد به مواردی نظیر اقتضائات نظم عمومی داخلی و بین‌المللی توجیه می‌نمایند^۴ که این رویه کاملاً فعال و ایجابی ارزیابی می‌شود.^۵ مواردی از جمله وجود عبارات مبهم در قرارداد، وجود واسطه‌های متعدد و حساب‌های بانکی آفشور افتتاح شده در کشورهای فاقد نظام نظارتی پولی و مالیاتی مطلوب از جمله مواردی است که می‌تواند برای نهاد داوری به عنوان یک زنگ خطر مبنی بر تأثر قرارداد از فساد اقتصادی تلقی شود.^۶

اتخاذ رویه فعال و ایجابی در مواردی که هزینه‌های داوری از جانب ثالث تأمین^۷ می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. تأمین هزینه‌های داوری توسط شخص ثالث به وضعیتی اطلاق می‌شود که

1. The Principle of Separability of Arbitration from the Main Contract

2. UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration

۳. رستمی، امین، مسعود زمانی و منوچهر نائینی، «تعیین داوران و حدود اختیارات آنان در داوری تجاری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، د ۱۱، ش ۴۰، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۷.

4. Eroglu, Erman, "Illicit Financial Gains In International Commercial Arbitration: The Arbitral Tribunal's Duty", *Law and Justice Review*, Vol. 29, 2025, PP. 129-130.

۵. زمانی، سید قاسم، ایمان میرزاده و عرفان میرزاده، «مواجهه با فساد در داوری‌های بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، انتشار الکترونیکی، ۱۴۰۳، صص. ۴-۵.

6. Teichmann, Fabian, Sonia Boticiu, and Bruno S. Sergi, "The risk of abuse of arbitration proceedings in jurisdictions where corruption is pervasive", *Journal of Economic Criminology*, Vol, 2, 2023, P. 4.

7. Third Party Funding (T.P.F)

شخصی به غیر از طرفین اختلاف، پرداخت کلیه هزینه‌های مرتبط با ارجاع اختلاف به نهاد داوری را اعم از هزینه‌های کارشناسی، استخدام وکیل و... را به نفع یکی از طرفین اختلاف برعهده می‌گیرد. در این روش چنانچه رأی نهایی نهاد داوری به نفع تأمین شونده صادر شود، ثالث معمولاً مستحق معادل ۱۵ تا ۵۰ درصد از محل عواید رأی می‌شود و در غیر این صورت حتی حق مطالبه مخارج انجام‌شده را نخواهد داشت.^۱ هنگامی که یکی از طرفین اختلاف ارجاع شده به نهاد داوری از جانب ثالث تحت حمایت مالی قرار می‌گیرد، این ظن نسبت به نهاد داوری ایجاد می‌شود که ممکن است ثالث از طریق تطمیع داور یا داوران، در صدور رأی نهایی نهاد داوری تأثیراتی برجای بگذارد. بدیهی است که در صورت وجود هرگونه ارتباط قبلی میان داور یا داوران با ثالث، ظن مذکور تشدید خواهد شد. در چنین مواردی مقتضی است که داور به‌منظور حفظ بی‌طرفی و جلب اعتماد طرفین و نیز نمایش عملکردی معنادار به ثالث مبنی بر پایبندی به اصول اساسی حاکم بر داوری توافقی، بدو مراتب وجود ثالث برای تأمین مالی را رسماً به طرف مقابل ابلاغ کند. بدیهی است که به‌واسطه این اطلاع‌رسانی، طرف دیگر اختلاف ممکن است اطلاعاتی درخصوص هویت ثالث و قرارداد او با تأمین‌شونده را مطالبه کند؛ اما از آنجا که تأمین‌شونده، افشای چنین اطلاعاتی را مغایر با اصل محرمانگی دانسته و اشخاصی که به عنوان ثالث اقدام به تأمین مالی می‌کنند نیز معمولاً تمایلی از این نظر که کم‌وکیف توافقتشان با تأمین‌شونده افشا شود ندارند، مقتضی است که نهاد داوری شخصاً اسناد و مدارک مرتبط با روابط ثالث و تأمین‌شونده را بررسی و به‌صورت هدفمند صرفاً به افشای آن بخش از اسناد که افشای آن برای اثبات بی‌طرفی نهاد داوری مؤثر است اکتفا کند و بدین صورت یک تعادل میان اصل شفافیت و پایبندی به اصل محرمانگی برقرار کند؛ زیرا هم بی‌طرفی و استقلال در زمره اصول اساسی حاکم بر فرایند داوری محسوب می‌شوند و هم منافع ثالث و تأمین‌شونده آنقدر ارزشمند نیست که به‌خاطر آن صحت داوری در قراردادهای تجاری بین‌المللی با ابهام یا چالش مواجه شود.^۲

۱. میروسی، علیرضا، مهدی ذاکریان امیری و مهدی عبدالله زاده، «موافقان و مخالفان تأمین مالی ثالث در رژیم داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، د ۲۴، ش ۷۷، ۱۴۰۱، ص. ۵۰.

۲. اسدی، محمدمهدی، «بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تأمین مالی داوری بین‌المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات»، فصلنامه تمدن حقوقی، د ۷، ش ۱۷، ۱۴۰۲، ص. ۵.

درخصوص اتخاذ رویه فعال و ایجابی، عملکرد قاضی گونار لاگرگرن^۱ که به‌عنوان داور در پرونده‌ای که از جانب یک شرکت خصوصی آمریکایی علیه کارگزار دولت آرژانتین مطرح شد، قابل تأمل است. قاطعیت داور در تصمیم‌گیری مبنی بر بطلان قرارداد و رد رسیدگی به ماهیت اختلاف به‌عنوان نمونه‌ای از اتخاذ رویه فعال و ایجابی توأم با توجه به اصول اخلاقی و نظم عمومی بین‌المللی در داوری بین‌المللی قابل تحسین است و به همین دلیل تبدیل به مبنایی برای رسیدگی به پرونده‌های مشابه در دهه‌های بعدی شد.^۲

در سال ۱۹۶۳ میلادی، دولت آرژانتین برای تأمین تجهیزات پروژه‌های برقی دولت مبادرت به برگزاری یک مناقصه کرد. تعدادی از کارگزاران دولت آرژانتین با برقراری ارتباط مخفیانه با یکی از شرکت‌کنندگان در مناقصه، پیشنهادی مبنی بر دریافت رشوه جهت تأیید صلاحیت زود هنگام و برنده کردن آن شرکت در مناقصه را مطرح کردند. پس از موافقت مدیران ارشد شرکت با پیشنهاد مذکور، قراردادی کتبی میان یکی از کارگزاران دولت آرژانتین و شرکت خصوصی آمریکایی منعقد شد که در آن «داوری» به‌عنوان نهاد حل و فصل اختلافات انتخاب شد و با توجه به حسن سابقه و شهرت قاضی لاگرگرن، نامبرده به عنوان داور مرضی‌الطرفین انتخاب شد. همچنین توافق شد که قانون حاکم بر داوری قانون کشور سوئیس و محل انجام داوری کشور آرژانتین باشد. پس از مدتی شرکت خصوصی آمریکایی با طرح این ادعا که کارگزار دولت آرژانتین از اجرای تعهدات خود امتناع و دعوایی با عنوان «استرداد حق کمیسیون» علیه نامبرده را در نزد داور مطرح کرد.^۳ داور پس از قبول داوری بررسی‌های لازم را به عمل آورد و متوجه شد موضوع مورد رسیدگی در اصل «استرداد رشوه» است. لاگرگرن با اتکا بر اصول اخلاقی و نظم عمومی بین‌المللی تأکید کرد که هرچند مسئله رد و بدل شدن رشوه در آن سال‌ها امری معمول در آرژانتین محسوب می‌شده است، نفوذ مصادیق فساد اقتصادی در قراردادها باعث خواهد شد که قراردادها از منظر حقوقی غیرقابل دفاع باشند و رسیدگی ماهوی به این دست از

1. Gunnar Lagergren

۲. ایران‌شاهی، علیرضا، «بررسی معیار «نظم عمومی» در نظارت قضایی بر رأی داوری تجاری بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، د ۲۸، ش ۴۴، ۱۳۸۹، ص. ۹۴.

3. Yackee, Jason Webb, "Investment treaties and investor corruption: An emerging defense for host states", *Va. J. Int'l L.* Vol. 52, 2011, PP. 2-4.

دعاوی، اعتبار داور و عدالت را خدشه‌دار خواهد کرد.^۱ پرونده اخیر از این جنبه حائز اهمیت است که داور رأساً و بدون درخواست طرفین اختلاف مبادرت به کسب دلیل برای شناسایی و مقابله با فساد اقتصادی نمود و بر مبنای آن قرارداد را باطل کرد. با این حال، لااگرگن با تأکید بر عدم مشروعیت موضوع اختلاف و نفوذ فساد اقتصادی در قرارداد اصلی و ضرورت رعایت اصول اخلاقی، اخلاق حسنه و نظم عمومی بین‌المللی از رسیدگی ماهوی به موضوع اجتناب کرد.

۳.۲. مطالبه اسناد و مدارک خواهان و خواننده داوری

احراز واقعیت توسط نهاد داوری تا حد زیادی مستلزم مطالبه و بررسی اسناد و مدارک طرفین اختلاف است.^۲ مواد ۴۳ تا ۴۵ کنوانسیون ایکسید^۳ و ماده ۳۴ قواعد داوری ایکسید^۴ بدون اشاره به بار اثبات دعوا صرفاً به مواردی از جمله اختیارات نهاد داوری درخصوص کسب ادله طرفین و انجام بررسی‌های میدانی اشاره می‌کند و نهاد داوری می‌تواند با وحدت رویه گرفتن از مقرره‌های اخیر چنین حقی را برای خود برای مقابله با فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی قائل شود. ادعای فساد از جانب نهاد داوری یا یکی از طرفین قرارداد تجاری بین‌المللی نیاز به اثبات دارد. بار اثبات ادعا غالباً بر عهده مدعی^۵ است، اما در بحث مقابله با مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی، صرف اینکه مدعی با ادعای وجود فساد اقتصادی و ارائه اسناد و مدارکی که به صورت اجمالی بتواند ظن نهاد داوری را بر وجود گونه‌ای از فساد اقتصادی در قرارداد جلب کند، ممکن است منجر به خلق وضعیتی شود که بار اثبات ادعا معکوس شده و نهاد داوری وفق مقرره‌های اخیر از مدعی علیه^۶ درخواست کنند که اسناد و مدارکی خلاف ادعای مدعی ارائه کند و چنانچه مدعی علیه موفق به ارائه اسناد و مدارک مقتضی نشود تصمیم نهاد داوری کاملاً قابل پیش‌بینی خواهد بود. البته نهاد داوری در هنگام مطالبه اسناد و مدارک طرفین باید به ماهیت قانون حاکم بر قرارداد نیز توجه داشته باشد؛ زیرا کشورهای دارای نظام‌های

1. ICC, Case 1110: 1963.

۲. بابایی، طیب، «ارزش اثباتی ادله دعا در قانون حاکم بر داوری تجاری بین‌المللی»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، د ۹، ش ۳، ۱۳۹۵، ص. ۱۲.

3. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)

4. ICSID Arbitration Rules

5. Claimant

6. Defendant

حقوقی کامن‌لا^۱ بیشتر پذیرای دلایل شفاهی هستند و در مقابل در کشورهای دارای نظام‌های رومی-ژرمنی^۲ دلایل مکتوب شامل طیف گسترده‌ای از اسناد نظیر قراردادها، گواهی‌ها، فاکتورها، پیامک‌ها و نامه‌ها قابل استناد است.^۳ تبعاً در مواردی نظیر اینکه محل انجام داوری در کشوری با نظام حقوقی کامن‌لا و محل شناسایی و اجرای رأی داوری کشوری با نظام حقوقی رومی-ژرمنی باشد، می‌تواند در بار اثبات قانون خارجی نیز تأثیرگذار بوده، دادگاه محل شناسایی و اجرا، یکی از طرفین و یا طرفین اختلاف را ملزم به پرداخت هزینه کارشناسی به عنوان رایج‌ترین شیوه اثبات قانون خارجی نماید.^۴ بنابراین ماهیت قانون حاکم بر قرارداد و موافقت‌نامه داوری تأثیر زیادی در نوع اسناد و مدارک قابل ارائه و بار اثبات قانون خارجی خواهد داشت.

در این خصوص پرونده متال‌تک^۵ علیه جمهوری ازبکستان قابل تأمل است. در سال ۱۹۹۸ میلادی، شرکت اسرائیلی با مسئولیت محدود متال‌تک مباردت به انعقاد یک قرارداد سرمایه‌گذاری در حوزه استخراج از معادن و تأسیس یک کارخانه برای تولید مشتقات مولیبدن^۶ با جمهوری ازبکستان نمود و در قرارداد مذکور توافق شد که حل‌وفصل اختلافات از طریق دیوان داوری بین‌المللی متشکل از سه داور انجام شود. در سال ۲۰۱۰ میلادی، شرکت متال‌تک با طرح این ادعا که دولت ازبکستان با افزایش ناگهانی مالیات‌ها و وضع محدودیت‌هایی موجبات ورود ضرر به این شرکت را حادث گردانیده است، مباردت به طرح یک دعوا در نزد مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری با عنوان «مطالبه خسارات به میزان ۱۷۴ میلیون دلار» علیه دولت ازبکستان نمود. در مرحله بدوی رأی دیوان به نفع شرکت متال‌تک صادر شد، اما متعاقباً نماینده دولت ازبکستان با ارائه اسناد و مدارکی مدعی شد که مدیران شرکت متال‌تک با پرداخت رشوه به مقامات دولتی وقت ازبکستان موفق به کنار زدن رقبا و انعقاد قرارداد اصلی شده‌اند. نهاد داوری با بررسی اسناد و مدارک مذکور متوجه شد که برخی از مجوزها به صورت زود هنگام

1. Common Law

2. Roman-Germanic (Civil Law)

۳. دادرس، پیمان و سید امیرحامد طالبیان، «تحلیلی نظری و کاربردی بر چالش‌های نوین تحصیل ادله در داوری‌های بین‌المللی با رویکردی تطبیقی و انتقادی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، د ۱۹، ش ۷۶، ۱۳۹۵، ص. ۲۴۰.

۴. سی. هارتلی، تره‌ور و محمدجعفر قنبری جهرمی، «استناد و اثبات قانون خارجی: مقایسه‌ای بین سیستم‌های مهم اروپایی»، مجله حقوقی بین‌المللی، د ۱۶، ش ۲۳، ۱۳۷۷، صص. ۱۴۷-۱۴۶.

5. Metal-Tech Ltd

6. Molybdenum

صادر شده است و در نتیجه مشکوک شدن به مسئله نفوذ فساد اقتصادی در قرارداد، از شرکت متال‌تک خواست که اسناد و مدارکی خلاف ادعای نماینده دولت ازبکستان ارائه دهد، اما شرکت متال‌تک با ارائه اسناد موثق صرفاً اثبات کرد که رشوه نقش مؤثری در انعقاد قرارداد و اجرای آن نداشته است.^۱ نهاد داوری در مرحله تجدیدنظر استدلال کرد که فساد به اندازه‌ای نبوده که موجب ابطال کامل قرارداد شود؛ اما به دلیل نفوذ آن، بخشی از مبلغ محکومیت در رأی بدوی را نیز غیرقابل مطالبه دانست.^۲ پرونده اخیر از دو جنبه حائز اهمیت است: اول آنکه نهاد داوری حق خود را درخصوص مطالبه اسناد و مدارک طرفین اختلاف برای مقابله با فساد اقتصادی مورد شناسایی و در زمره بدیهیات دانست؛ دوم آنکه چنانچه نهاد داوری احراز می‌کرد که قرارداد در مقیاس قابل توجهی در بستر فساد اقتصادی منعقد شده است، تبعاً رأی به ابطال قرارداد صادر می‌نمود. هرچند که قرارداد فوق نوعاً یک قرارداد مشمول معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود، نهاد داوری می‌تواند از رویه اخیر برای مقابله با فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی الگوبرداری کند.

۳.۳. بررسی داوری‌پذیر بودن موضوع اختلاف

در قوانین داخلی اکثر کشورها، ارجاع کلی یا جزئی موضوعات مربوط به تأمین مایحتاج و تدارکات عمومی دولت به داوری ممنوع انگاشته می‌شود. در همین قوانین برای کاهش احتمال ورود مصادیق فساد اقتصادی و جلوگیری کردن از افزایش هزینه کالاها و خدمات مدنظر دولت به مسئله ممنوعیت هرگونه کمیسیون، دلالتی و حق‌العمل‌کاری نیز اشاره می‌شود. برای تأمین مایحتاج و تدارکات عمومی دولت نهادهای خاصی وجود دارند که وفق آیین‌نامه‌های خاص و تحت نظارت دولت اقدام نموده، اختلافات احتمالی در این حوزه ذیل فرایندهای خاص حل‌وفصل خواهد شد. بنابراین بسیاری از مسائل اساساً داوری‌پذیر نیست، اما ممکن است طرفین از نهاد داوری بخواهند که نسبت به چنین موضوعی رسیدگی کند.^۳

معمولاً چنانچه موضوعی اساساً قابل ارجاع به داوری و یا اصطلاحاً داوری‌پذیر نباشد، ذی‌نفع در مرحله ارجاع اختلاف به نهاد داوری یا در مرحله شناسایی و اجرای رأی بدین موضوع اشاره

1. Losco, Michael A, "Charting a new course: Metal-Tech v. Uzbekistan and the treatment of corruption in investment arbitration", *Duke LJ Online* Vol. 64, No 37, 2024, PP. 38-40.

2. ICSID, 10/3: 2013.

3. Bermann, George A, "Arbitrability trouble", *Am. Rev. Int'l Arb.* Vol 23, 2012, P. 369.

می‌کند؛^۱ اما احراز داوری‌پذیر بودن یا نبودن گاه با چالش‌هایی مواجه می‌شود. به عنوان مثال طرفین وفق یک قرارداد تجاری بین‌المللی توافق می‌کنند موضوعی را که اساساً داوری‌پذیر نیست، از طریق نهاد داوری حل و فصل کنند. پس از بروز اختلاف و ارجاع آن به نهاد داوری از جانب خواهان داوری، خوانده داوری با استناد بر قانون دولت متبوع خویش به مسئله داوری‌پذیر نبودن موضوع اختلاف استناد می‌کند؛ اما خواهان داوری با این ادعا که خوانده داوری در زمان امضا و انعقاد قرارداد، شرط داوری مندرج در آن را مشاهده می‌کند و عادتاً از آن مطلع است و تاکنون نیز نسبت به آن اعتراضی وارد نکرده، تلاش می‌کند که نهاد داوری را مجاب کند تا به اختلاف رسیدگی کند. این چالش زمانی بیشتر می‌شود که اتفاقاً خوانده داوری به مسئله داوری‌پذیر نبودن موضوع استناد نکند و حتی خود نیز از نهاد داوری تقاضای رسیدگی کند. در فرض‌های اخیر وظیفه نهاد داوری چیست؟ برخی معتقدند که مستفاد از شق «ت» بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، طرفین با خواست و اراده خویش قانون حاکم بر تشریفات انتخاب داوران، تعداد داوران، نحوه ارجاع اختلافات به داوری و دیگر موارد مرتبط با داوری را مشخص کرده‌اند و نهاد داوری باید با اتکا بر خواست و اراده طرفین اختلاف، صلاحیت خود را مفروض بداند و به این اختلاف رسیدگی کند. اما دیدگاه مخالف این رویه که اتفاقاً سخت‌گیرانه و حائز جنبه‌های پیشگیرانه است، بدین شرح است که نهاد داوری وظیفه دارد شخصاً و بدواً با رجوع به قانون دولت متبوع طرفین، داوری‌پذیر بودن یا نبودن موضوع را احراز کند و چنانچه موضوع داوری‌پذیر نبود، در رأی خویش صرفاً به این مسئله اشاره و از ورود ماهوی به اختلاف اجتناب کند؛ زیرا در فرض‌های اخیرالذکر این امکان وجود دارد که خوانده داوری به نفع خواهان داوری از نفوذ خود در نزد محاکم و تسلط بر ضعف قوانین دولت متبوع خویش استفاده کند تا خواهان داوری رأی صادره علیه او را مورد شناسایی و اجرا قرار داده و پس از پرداخت محکوم‌به به نفع خواهان داوری، بخشی از محکوم‌به را طبق توافق مخفیانه با نام‌برده که اساساً خیلی قبل‌تر از ارجاع اختلاف به نهاد داوری منعقد کرده است، به نفع خود مسترد نماید که این امر خود مصداق از مصادیق فساد اقتصادی یعنی تحصیل مال بلاجهت است.

1. Park, William W, "Arbitral Jurisdiction in the United States: Who Decides What?", *International arbitration law review*, Vol. 11, No 1, 2008, P. 35.

در این خصوص، بررسی پرونده هاپکو^۱ علیه وپدا^۲ قابل تأمل است. در سال ۱۹۹۴ میلادی، شرکت هاپکو که در پاکستان به ثبت رسیده و یک شرکت مستقل در حوزه تولید برق است مبادرت به انعقاد یک فقره قرارداد با شرکت وپدا جهت فروش برق تولیدی یک نیروگاه برق نمود. چند ماه پس از انعقاد قرارداد، قیمت برق به موجب یک متمم افزایش یافت. به موجب متمم بعدی و متعاقب افزایش بی‌رویه قیمت برق، یکی از اهالی ایالت بلوچستان دعوایی علیه شرکت وپدا در نزد سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان مطرح کرد. سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان در هنگام بررسی موضوع متوجه شد که مدیران شرکت هاپکو با پرداخت رشوه به کارمندان شرکت وپدا موفق به جلب اراده این شرکت در امضا و انعقاد متمم‌ها شده‌اند. متعاقباً مدیران عالی شرکت وپدا با معتبر دانستن قیمت‌های مندرج در قرارداد اصلی، متمم‌ها را کان‌لم‌یکن اعلام کردند. شرکت هاپکو نیز برای ورود نکردن مقامات دولتی به موضوع، فوراً قضیه را به مرکز داوری بین‌المللی لندن^۳ به عنوان نهاد حل و فصل اختلافات مندرج در قرارداد ارجاع داد، اما پس از ارجاع پرونده از طرف سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان به مراجع قضایی پاکستان، دادستانی این کشور یک دستور موقت مبنی بر پیگیری نکردن موضوع توسط داوری را صادر نمود. در سال ۱۹۹۹ میلادی، پنج قاضی برای بررسی موضوع در دیوان عالی پاکستان انتخاب شدند. نظر دو قاضی از این قرار بود که از طرفی هر دو شرکت بر معتبر بودن قرارداد اتفاق نظر دارند؛ زیرا شرکت هاپکو بر مبنای شرط داوری مندرج در قرارداد موضوع را به داوری ارجاع کرده و شرکت وپدا نیز نرخ فروش برق مندرج در قرارداد را معتبر دانسته است. از طرفی دیگر رشوه به عنوان مصادیق فساد اقتصادی در متمم‌ها نفوذ کرده است و ارتباطی با قرارداد ندارد. بنابراین طرفین باید با پیگیری اختلاف در نزد نهاد داوری اقدامات لازم برای ابطال متمم‌ها را انجام دهند. نظر سه قاضی دیگر بدین شرح بود که شرکت وپدا یک شرکت وابسته به دولت بوده که در این قرارداد نیز با بودجه دولت بخشی از برق مورد نیاز پاکستان را تأمین می‌کرده است که این موضوع به دلیل ارتباط آن با تأمین مایحتاج و تدارکات عمومی دولت اساساً قابل ارجاع به داوری نبوده و با توجه به اسناد و مدارک موثق موجود مبنی بر اینکه بعضی از کارمندان شرکت وپدا

1. Hub Power Company (HUPCO)
2. Water and Power Development Authority (WAPDA)
3. London Court of International Arbitration (LCIA)

برای انعقاد قرارداد دارای شرط داوری به بعضی از کارمندان وزارت نیرو رشوه پرداخت کردند، استدلال شد که رسیدگی به موضوع تماماً در صلاحیت محاکم داخلی پاکستان قرار دارد.^۱ پرونده اخیر از دو جنبه حائز اهمیت است: اول آنکه چنانچه محاکم پاکستان به این مسئله ورود نمی‌کردند، پرداخت وجوه بدون مبنا به شرکت وپدا برای خرید برق از شرکت هاپکو استمرار داشت؛ دوم آنکه بر فرض پیگیری اختلاف توسط نهاد داوری و عدم توجه نهاد داوری به داوری‌پذیر نبودن موضوع و صدور رأی، بدیهی است که محاکم داخلی پاکستان از شناسایی و اجرای رأی مذکور خودداری می‌کردند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شد که پس از تبیین تفاوت‌های مهم میان قراردادهای تجاری بین‌المللی با معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای مشمول آن و اشاره به تعریف فساد اقتصادی و مصادیقش، این موضوع مطرح شود که مصادیق فساد اقتصادی با اصول اساسی حقوق تجارت بین‌الملل، مانند اصل حسن‌نیت و شفافیت، و همچنین مؤلفاتی نظیر عدالت و نظم عمومی در تعارض است و از طرفی ممکن است سیاست‌های ضدفساد نیز در تعارض با موارد مذکور قرار گیرند. براساس مطالب طرح‌شده در تحقیق، می‌توان گفت که نهاد داوری برای مقابله با فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی باید بدواً طبق اصل Competence-Competence اعتبار موافقت‌نامه داوری را احراز کند. براساس شق «الف» بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک و نیز شق «الف» بند ۱ ماده ۳۳ قانون تجاری بین‌المللی ایران، موافقت‌نامه داوری مرجع سنجش اعتبار نهاد داوری محسوب شده و چنانچه موافقت‌نامه مذکور وجود نداشته باشد، امضا نشده باشد، باطل شده باشد یا خود متأثر از فساد باشد، فاقد اعتبار است و ورود نهاد داوری به موضوع اختلاف اساساً محلی از اعراب نخواهد داشت. پس از احراز اعتبار موافقت‌نامه داوری لازم است که نهاد مذکور رویکرد ذیل را اتخاذ کند:

1. Khan, Muhammad Mumtaz Ali, Ikram Ullah and Aisha Tariq, "Assumption of Jurisdiction by Pakistani Supreme Court in Reko Diq Case: Another Violation of International Investment Law", *Journal of Business and Social Review in Emerging Economies*, Vol 7, No. 3, 2021, P. 665.

اول آنکه نهاد داوری باید خواه رأساً و با استناد به مواردی نظیر نظم عمومی داخلی و بین‌المللی و خواه حسب خواست و اراده طرفین یا یکی از ایشان تحقیقات و بررسی‌های لازم را از بابت سنجش اعتبار قرارداد اصلی انجام دهد و چنانچه قرارداد مذکور در بستر گونه‌ای از فساد اقتصادی، متأثر از فساد اقتصادی و یا برای تحقق آن منعقد شده بود؛ نسبت به بطلان آن اقدام کند؛ زیرا عطف به آثار سوء چنین قراردادی بر اصول حاکم بر حقوق تجارت بین‌الملل، عدالت و نظم عمومی داخلی و بین‌المللی اساساً نباید منشأ ترتیب اثر قرار بگیرد. دوم آنکه در راستای احراز مصادیق فساد اقتصادی حق مطالبه اسناد و مدارک طرفین را حسب ماهیت قانون حاکم برای خود به رسمیت بشناسد. سوم آنکه پس از ورود به ماهیت اختلاف تحقیقات لازم را از بابت احراز داوری‌پذیر بودن یا نبودن موضوع طبق قانون حاکم به عمل آورد؛ زیرا موضوعاتی نظیر امور کیفری، ارث، خانواده، تأمین مایحتاج و تدارکات عمومی دولت‌ها معمولاً قابل ارجاع به داوری نیست. همچنین بهتر است در مواردی که شناسایی و مقابله با فساد اقتصادی رأساً توسط نهاد داوری یا صرفاً بنا به درخواست یکی از طرفین انجام شده است، نهاد داوری در رأی خویش با خطاب قرار دادن محاکم محل شناسایی و اجرا، آن محکمه را توجیه کند که در عصر حاضر چگونه رویکرد مأخوذه با ترافیعی بودن داوری در تعارض نیست. اگرچه ذیل اصل داوری ترافیعی داور باید به صورت مستقل و بی‌طرف و صرفاً در چارچوب صلاحیت‌ها و اختیارات خویش اقدامات لازم را انجام دهد، نباید تکلیف نهاد داوری را درخصوص صدور آرای که قابلیت شناسایی و اجرا داشته باشند، نیز نادیده گرفت. صدور رأی ماهوی درخصوص اختلافات ناشی از قراردادهای منعقدشده در بستر فساد اقتصادی، متأثر از فساد اقتصادی و یا منعقدشده جهت تحقق فساد اقتصادی تأثیری معادل با نقض نظم عمومی داخلی کشور محل شناسایی و اجرای رأی را در پی خواهند داشت و همان‌طور که گفته شد، چنین آرای اساساً فاقد قابلیت شناسایی و اجراست. در پایان، نویسندگان برای مقابله مؤثر با نفوذ مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی یک پیشنهاد مشتمل بر چهار مرحله را ارائه می‌کنند:

در مرحله اول لازم است که چارچوب‌هایی برای حمایت از گزارش‌دهندگان فساد اقتصادی ایجاد شود. تضمین امنیت شغلی، جانی و مالی گزارش‌دهندگان فساد اقتصادی نقش مهمی در تشویق این افراد به ارائه اطلاعات دقیق و قابل اتکا بر جای خواهد گذاشت. دولت‌ها باید قوانین

خاصی تصویب کنند که به موجب آن علاوه بر تضمین حمایت از گزارش‌دهندگان، امتیازات مالی یا حقوقی مناسبی نیز به ایشان تخصیص داده شود. به عنوان مثال دولت‌ها می‌توانند با طراحی فرایندهای گزارش‌دهی محرمانه، مشخصات هویتی گزارش‌دهندگان را در برابر تهدیدات احتمالی حفظ کنند و گزارش مذکور را به سمع و اطلاع نهاد دآوری برسانند. همچنین نهادهای دآوری و مراجع بین‌المللی می‌توانند مشوق‌هایی مانند پاداش‌های مالی برای گزارش‌دهندگان در نظر بگیرند تا بدین ترتیب شاهد مشارکت فعالانه‌تری در افشای مصادیق فساد اقتصادی باشیم. در مرحله دوم لازم است که داوران آموزش‌های لازم و روزآمد را درخصوص نحوه به‌کارگیری فساد در قراردادهای فرابگیرند. این آموزش‌ها شامل مباحثی ازجمله تشخیص مصادیق فساد اقتصادی و چگونگی تحلیل هوشمندانه دفاعیات کتبی یا شفاهی طرفین و نیز متن قراردادهای می‌شوند. مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری یا اتاق بازرگانی بین‌المللی می‌توانند کارگاه‌های آموزشی مفیدی را با محوریت مرور بهترین پرونده‌های مرتبط برگزار کنند. در مرحله سوم لازم است که رویه‌های رسیدگی نهاد دآوری از استانداردهای حداقلی و یکسانی برخوردار شوند. این استانداردها باید شامل تعریف دقیق فساد اقتصادی و پوشش کلیه مصادیق آن، روش‌های تحقیق و بررسی بی‌طرفانه، نحوه اعتبارسنجی قراردادهای الزامات لازم برای صدور رأی عادلانه باشد تا بدین شکل از بروز اختلاف نظر بین طرفین با نهاد دآوری و صدور آرای متناقض جلوگیری به عمل آید. به عنوان مثال، در حال حاضر می‌توان کنوانسیون مریدا و قانون نمونه دآوری آنسیترال را مبنای توسعه چنین استانداردهایی قرار داد. در مرحله چهارم نیز لازم است که یک نظام نظارتی یا تجدیدنظرخواهی برای بررسی اقدامات انجام‌شده توسط نهاد دآوری ایجاد شود. پیش‌بینی این نظام نظارتی یا تجدیدنظرخواهی در سطح داخلی و بین‌المللی به عنوان مکمل کنوانسیون نیویورک خصوصاً در مواردی که نهاد دآوری از نوع غیرسازمانی بوده و طرفین با توافق یکدیگر داوران را انتخاب می‌کنند، ضروری‌تر از زمانی است که نهادهایی نظیر مرکز دآوری بین‌المللی هنگ کنگ، مرکز دآوری بین‌المللی دبئی، مرکز دآوری بین‌المللی سنگاپور یا اتاق بازرگانی بین‌المللی به عنوان نهاد دآوری انتخاب می‌شوند؛ زیرا نهادهای مذکور تجربه کافی از بابت نحوه مقابله با فساد اقتصادی را در اختیار دارند.

طبیعتاً نباید انتظار داشت که وقتی نهاد داوری خود متأثر از فساد شده باشد، تمایلی مبنی بر احراز مصادیق فساد اقتصادی در قراردادها نشان دهد. تأثیر این مهم در نسخه اصلاحی ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید، که به موجب شق «ج» از بند ۱ آن نفوذ فساد در یکی از اعضای دیوان از موجبات ابطال رأی داوری در نظر گرفته شده است، مشهود می‌شود. برخلاف داوری‌های تحت صلاحیت ایکسید که ابطال رأی داور تابع فرایند درون سازمانی کمیته بازنگری و ابطال رأی داور است، مطابق با قوانین داخلی اکثر کشورها، از جمله ایران، امکان مراجعه به دادگاه برای درخواست ابطال رأی نهاد داوری درخصوص قرارداد تجاری بین‌المللی وجود دارد؛ اما ممکن است دادگاه‌های داخلی بنابر دلایل مختلف تمایل چندانی از بابت ورود ماهوی به مسئله و بررسی همه‌جانبه آن برای کشف مصادیق فساد اقتصادی از خود نشان ندهند. نهاد نظارتی یا تجدیدنظرخواهی محل بحث باید مواردی از جمله بررسی اعتبار موافقت‌نامه داوری، سنجش اعتبار قرارداد اصلی، مبنای بروز اختلاف و چگونگی رویکرد طرفین و نهاد داوری و انطباق رویکرد اخیر با اصول اساسی حاکم بر تجارت بین‌الملل را بررسی و در صورت تأیید به دادگاه مربوطه ارجاع کند تا رأی داوری مورد شناسایی و اجرا قرار بگیرد.

منابع

مقاله

۱. اسدی، محمد مهدی، «بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تأمین مالی داوری بین‌المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات»، فصلنامه تمدن حقوقی، د ۶، ش ۱۷، ۱۴۰۲، صص. ۲۶-۵، doi: 10.22034/lc.2023.413350.1387.
۲. ایرانشاهی، علیرضا، «بررسی معیار «نظم عمومی» در نظارت قضایی بر رأی داوری تجاری بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، د ۲۸، ش ۴۴، ۱۳۸۹، صص. ۷۳-۱۱۴، doi: 10.22066/cilamag.2011.17164.
۳. بابایی، طیب، «ارزش اثباتی ادله دعوا در قانون حاکم بر داوری تجاری بین‌المللی»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، د ۹، ش ۳، ۱۳۹۵، صص. ۳۴-۱۱.

۴. باقری کمارعلیا، محمد، ایرج گلدوزیان، ایرج و حمیدرضا ملک محمدی، «تحلیلی بر مدیریت منابع مالی و سیاست‌های دستگاه‌های فرهنگی در انطباق با تکالیف مقرر در کنوانسیون مریدا»، *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، د ۲، ش ۴، ۱۳۹۵، صص. ۱۲۵-۱۰۹. doi: 10.22059/ppolicy.2017.60837
۵. تقی‌پور، بهرام، مهدی عباسی سرمدی، اعظم مهدی، مهدی‌پور، اعظم و محمدتقی ابراهیمی، «راهکارهای حقوقی - اخلاقی مقابله با فساد در انعقاد قراردادهای تجاری بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی*، د ۱۰، ش ۳۷، ۱۳۹۸، صص. ۸۷-۱۱۰.
۶. حسینی آزاد، سید علی و پوریا عسکری، «شفافیت سرمایه‌گذاری خارجی: بازتعریف اصل شفافیت در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، د ۲۸، ش ۱۹، ۱۴۰۰، صص. ۳۷-۶۱. doi: 10.22067/lowecon.2022.41769
۷. دادرس، پیمان و سید امیرحامد طالبیان، «تحلیلی نظری و کاربردی بر چالش‌های نوین تحصیل ادله در داوری‌های بین‌المللی با رویکردی تطبیقی و انتقادی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، د ۱۹، ش ۷۶، ۱۳۹۵، صص. ۲۳۴-۲۵۹.
۸. رستمی، امین، مسعود زمانی، مسعود و منوچهر نائینی، «تعیین داوران و حدود اختیارات آنان در داوری تجاری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، د ۱۱، ش ۴۰، ۱۳۹۷، صص. ۱۷۰-۱۳۳.
۹. زمانی، سید قاسم، ایمان میرزازاده، ایمان و عرفان میرزازاده، «مواجهه با فساد در داوری‌های بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، انتشار الکترونیکی، ۱۴۰۳، صص. ۱-۲۰. doi: 10.22059/jpls.2021.303277.2445
۱۰. سی. هارتلی، تره‌ور و محمدجعفر قنبری جهرمی، «استناد و اثبات قانون خارجی: مقایسه‌ای بین سیستم‌های مهم اروپایی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، د ۱۶، ش ۲۳، ۱۳۷۷، صص. ۱۷۸-۱۳۵. doi: 10.22066/cilamag.1998.18162

۱۱. شاهینی، محمدرضا و علیرضا مظفری، «مطالعه تطبیقی داوری سرمایه‌گذاری خارجی و داوری تجاری بین‌المللی»، فصلنامه حقوق ملل، د ۱۹، ش ۵، ۱۳۹۴، صص. ۴۱-۷۲.
۱۲. مافی، همایون و مهشید اسحق، «موانع شناسایی و اجرای رأی داوری در کنوانسیون نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی (۱۹۵۸) و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران (۱۳۷۶)»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، د ۷، ش ۱، ۱۴۰۳، صص. ۱۶۸-۱۵۱، doi: 10.22080/lps.2022.24482.1418.
۱۳. مرجانی، مهدی و سید باقر میرعباسی، «پیشگیری غیرکیفری از جرایم اقتصادی در کنوانسیون مریدا»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، د ۱۶، ش ۴۴، ۱۳۹۹، صص. ۳۷-۶۰.
۱۴. میروسی، علیرضا، مهدی ذاکریان امیری، مهدی و مهدی عبدالله زاده، «موافقان و مخالفان تأمین مالی ثالث در رژیم داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، د ۲۴، ش ۷۷، صص. ۷۹-۴۷، doi: 10.22054/qjpl.2022.58548.2563

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

Articles

1. Asadi, Mohammad Mahdi, "An Investigation of the Necessity to Disclose the Existence of Contract in Third Party Funding in International Arbitration and Privilege", *Legal Civilization*, Vol. 6, No. 17, 2024. PP. 5-26, doi: 10.22034/lc.2023.413350.1387, (In Persian)
2. Babaei, Tayebe, "Evidentiary Value of the Means of Proof under the Law Governing International Commercial Arbitration", *Islamic Jurisprudence and Law Quarterly*, Vol. 9, No. 3, 2016. PP. 11-34. (In Persian)
3. Bagheri Komarolia, Mohammad., Golduziyan, Iraj., Malekmohammadi, Hamidreza and Sheshgol, Hamid, "Analysis of the Conformity of the Financial Resource Management in the IR Iran's Cultural Sector with the Obligations Imposed by the ICAC", *Iranian Journal of Public Policy*, Vol. 2, No. 4, 2017. PP. 109-125, doi: 10.22059/ppolicy.2017.60837, (In Persian)
4. Bermann, George A, "Arbitrability Trouble", *Am. Rev. Int'l Arb.* Vol. 23, 2012. PP. 367-378.
5. Brody, Richard G., Gaurav Gupta, Angela N. Ekofo and Kehinde Mayokun, Ogunade, "The Need for Anti-Corruption Policies in Developing Countries", *Journal of Financial Crime*, Vol. 28, No. 1, 2020. PP. 131-141, doi: 10.1108/JFC-06-2020-0099.
6. Dadras, Payman and Talebian, Sayed Amirhamed, "A Theoretical and Practical Analysis on the Modern Challenges Towards the Production of Evidence in International Arbitrations; Comparative and Critical Approach", *Legal Research Quarterly*, Vol. 19, No. 76, 2017. PP. 234-259. (In Persian)
7. Eroglu, Erman, "Illicit Financial Gains in International Commercial Arbitration: The Arbitral Tribunal's Duty", *Law and Justice Review*, Vol. 29, 2025. PP. 121-140.
8. Feebily, Ronan, "Neutrality, Independence and Impartiality in International Commercial Arbitration, A Fine Balance in the Quest for Arbitral Justice", *Penn St. JL & Int'l Aff.*, Vol. 7, No. 1, 2019. PP. 88-114.
9. Fortier, L. Yves, "Arbitrating in the Age of Investment Treaty Disputes", *UNSWLJ*, Vol. 31, No. 1, 2008. PP. 282-291.
10. Hartley, Trevor C., Ghanbari Jahromi, Mohammad Jafar, "Citation and Proof of Foreign Law: A Comparison of Major European Systems", *International Law Review*, Vol. 16, No. 23, 1998. PP. 135-178. (In Persian)

11. Hosseiniyazad, Sayed Ali and Askari, Pouria, "Transparency of Foreign Investment; Redefining the Meaning of the Principle of Transparency in International Investment Law", *Encyclopedia of Economic Law Journal*, Vol. 28, No. 19, 2021. PP. 37-61, doi: 10.22067/lowecon.2022.41769, (In Persian)
12. Iranshahi, Alireza, "Study of Public Policy Standard in Supervision on International Commercial Arbitration Award", *International Law Review*, Vol. 28, No. 27, 2011. PP. 73-114, doi: 10.22066/cilamag.2011.17164, (In Persian)
13. Khan, Muhammad Mumtaz Ali., Ikram Ullah and Aisha Tariq, "Assumption of Jurisdiction by Pakistani Supreme Court in Reko Diq Case: Another Violation of International Investment Law", *Journal of Business and Social Review in Emerging Economies*, Vol. 7, No. 3, 2021. PP. 649-657, doi: 10.26710/jbsee.v7i3.1862.
14. Losco, Michael A, "Charting A New Course: Metal-Tech v. Uzbekistan and the Treatment of Corruption in Investment Arbitration", *Duke LJ Online*, Vol. 64, No. 37, 2014. PP. 37-52.
15. Mafi, Homayoun and Eshaghi, Mahshid, "Obstacles to Recognition and Enforcement of New York Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (1958) and International Commercial Arbitration Act of Iran (1995)", *Journal of Comparative Law*, Vol. 7, No. 1, 2023, PP. 151-168. (In Persian)
16. Marjani, Mehdi and Mir Abbasi, Sayed Bagher, "Non-Criminal Prevention of Economic Crimes Under the Merida Convention", *Journal of Private and Criminal Law*, Vol. 16, No. 44, 2020. PP. 37-60. (In Persian)
17. Mirveisi, Alireza., Zakerian Amiri, Mehdi and Abdollah Zadeh, Mohammad Ali, "The Pros and Cons of Third Party Funding in the International Investment Arbitration Regime", *Public Law Research*, Vol. 24, No. 77, 2023. PP. 47-79, doi: 10.22054/qjpl.2022.58548.2563 , (In Persian)
18. Morshedi, Farzaneh and Gholami, Hossein, "Review the Legal Challenges of Supporting Economic Crimes Victims", *Religación: Revista de Ciencias Sociales y Humanidades*, Vol. 4, No. 18, 2019. PP. 278-285.
19. Park, William W, "Arbitral Jurisdiction in the United States: Who Decides What?", *International Arbitration Law Review*, Vol. 11, No. 1, 2008. PP. 33-49.

20. Rostami, Amin., Zamani, Masoud and Tavasoli Naieni, Manochehr, "Appointment of Arbitrators and the Scope of Their Powers in International Commercial Arbitration", *International Legal Research*, Vol. 11, No. 40, 2018. PP. 133-170. (In Persian)
21. Shahini, Mohammadreza and Mozafari, Alireza, "A Comparative Study of Foreign Investment Arbitration and International Commercial Arbitration", *Nations Law Quarterly*, Vol. 19, No. 5, 2021. PP. 41-72. (In Persian)
22. Taghipour, Bahram., Abbasi Sarmadi, Mehdi., Mahdavi Pur, Azam and Ebrahimi, Mohammad Taghi, "Legal and Ethical Solutions to Deal with Corruption in Concluding International Trade Agreements", *Ethical Research Quarterly*, Vol. 10, No. 37, 2019. PP. 87-110. (In Persian)
23. Teichmann, Fabian., Sonia Boticiu and Bruno S. Sergi, "The Risk of Abuse of Arbitration Proceedings in Jurisdictions Where Corruption Is Pervasive", *Journal of Economic Criminology*, Vol. 2, 2023. PP. 1-5, doi: 10.1016/j.jeconc.2023.100032.
24. Wynne, Brian, "Anti-Corruption Measures in International Trade: Legal Mechanisms to Combat Economic Crime", *Mayo RC Journal of Communication for Sustainable World*, Vol. 1, No. 2, 2024. PP. 54-64.
25. Yackee, Jason Webb, "Investment Treaties and Investor Corruption: An Emerging Defense for Host States", *Va. J. Int'l L.*, Vol. 52, 2011. PP. 1-20.
26. Zamani, Ghasem., Mirzazadeh, Iman and Mirzazadeh, Erfan, "Dealing with Corruption in International Arbitrations", *Public Law Studies Quarterly*, Publish online, 2024. PP. 1-20, doi: 10.22059/jplsqr.2021.303277.2445, (In Persian).

Online Sources

27. <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/countries/98/iran-islamic-republic-of>.
28. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID), *Metal-Tech Ltd. v. Republic of Uzbekistan*, ICSID Case No. ARB/10/3. 2013.
29. International Chamber of Commerce (ICC), ICC Arbitration Case No. 1110. Presiding arbitrator: Gunnar Lagergren. 1963.

The Arbitral Panel's Approach to Countering Instances of Economic Corruption in International Commercial Contracts

Mohamadjafar Ghanbari Jahromi*
Pouria Ebrahimzadeh**

Received: 2025.02.15

Accepted: 2025.08.20

Abstract

Economic corruption has many diverse examples, each leading to the violation of the fundamental principles governing international trade. To effectively combat the influence of financial corruption in international commercial contracts, it is necessary to instill a responsible attitude in society and provide it with required training. Given that in many cases, the parties to the above contracts agree to resolve potential future disputes through arbitration, it is appropriate to specifically examine the arbitration institution's role in combating the influence of economic corruption. The main question of the present study is: What approach should the arbitration institution adopt to combat examples of economic corruption in international commercial contract? The authors have used a descriptive-analytical method to find a reasoned and documented answer to arbitration procedures. The overall results of the research, while pointing out that the arbitration institution can effectively play a role in combating instances of economic corruption in international commercial contracts by adopting a three-pronged approach, namely adopting an active and positive approach, demanding documents and evidences from the claimant and the respondent, and examining the arbitrability of the dispute, also emphasize that adopting the aforementioned approach is not necessarily inconsistent with the principle of adversarial arbitration.

Keywords:

Arbitral Panel, Economic Corruption, International Commercial Arbitration, International Commercial Contract, Bilateral Investment Treaties.

* Associate Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

** Ph.D Candidate, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Corresponding Author Email: p_ebrahimzadeh@sbu.ac.ir



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی